



گزارش «ایران» از عشق و ایستادگی ۲۴ ساعته در چهارراه ولیعصر تهران

این پرچم زمین نمی ماند

بر افراشته ماندن پرچم کشورمان به دست مردم در ۴۳ روز گذشته نه یک رکورد بلکه یک عهد است

(۹)

- چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۵
- ۲۶ شوال ۱۴۴۷
- ۱۵ آوریل ۲۰۲۶
- سال سی و دوم
- شماره ۹۰۰۰**
- صفحه ۱۶

Iran Newspaper

ISSN1027-1449

Keytitle: IRAN (Tehran)

irannewspaper.ir

محاصره دریایی ادعایی ایران از سوی کاخ سفید چه پیامدهایی برای بازارها دارد؟

هزینه‌های جهانی یک توهم آمریکایی

عباس سلیمی نمین گفت وگو با «ایران»:

اقتدار ایران، فراتراز قدرت سخت نظامی است

(۳)

مقامات ایرانی هتک حرمت رهبر کاتولیک‌ها توسط ترامپ را محکوم کردند

پاپ لئو علیه مستبد دیوانه

(۵۳)

چند روایت از درهم تنیدگی زندگی و جنگ

درختی که ریشه در آسمان دارد

(۱۵)

سقوط اوربان، زنگ خطر را برای جمهوری خواهان و جریان پوپولیست جهانی به صدا در آورد

تغییر مسیر مجارها به میانه روی

(۵)

افق‌های دوردست و جزئیات سیاست:

حمایت ملی از قالیباف در مسیر اجرای یک نقش تاریخی

یادداشت یک



علی ربیعی

دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور

برای مدیریت کشور در دوره جنگ تحمیلی، بی‌تردید می‌توان از سه ویژگی منحصربه‌فرد نام برد: وجود وحدت و انسجام حد اکثری هم در بالاترین لایه‌های مدبریتی و مردمی و نیز توان تشخیص و تدبیر برای پایان دادن به جنگ. هنر سیاستمداران نه فقط در جنگ، بلکه در تبدیل دستاوردهای آن به مزیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای مردم است.

وضعیت کنونی و ضرورت رویکرد جدید

در شرایط پیچیده و چندلایه نظام بین‌المللی امروز که با بازتعریف موازنه‌قدرت، تغییرالگوهای تعامل دولت‌ها و افزایش نقش متغیرهای غیررستنی در سیاست خارجی همراه است، اتخاذ رویکردی هوشمندانه، بویا و مبتنی بر اصول، ضرورتی انکارناپذیردارد. در این بستر، «دیپلماسی هم‌افزای اقتدار» که میان قدرت ملی، مشروعیت داخلی و تعامل سازنده بین‌المللی هم‌راستایی ایجاد می‌کند، از اهمیتی ویژه برخوردار می‌شود.

تعریف چهارچوب دیپلماسی هم‌افزای اقتدار

در این چهارچوب، اقتدار ملی تنها محصول ابزارهای سخت نیست، بلکه برآیند هم‌زمان ظرفیت‌های اقتصادی، انسجام اجتماعی، مشروعیت سیاسی و توان تعامل هوشمندانه با محیط بین‌المللی است. در این نگاه، مذاکره، نه‌الزاری تاکتیکی و مقطعی، بلکه بخشی از فرآیندی راهبردی برای افزایش قدرت ملی و خلق فرصت‌های جدید تعریف می‌شود. بنابراین پشتیبانی از تیم مذاکره، یک انتخاب سلیقه‌ای نیست؛ بلکه سهولتی است دفاع از منافع ملی، کیان ایران و اقتدار و نظام و در تداوم دفاع میهنی از ایران عزیزاست. امید می‌رود دستاوردهای بزرگ ایران در عرصه نظامی به یک برد سیاسی نیز تبدیل شود.

ایران برای پیگیری جنایات جنگی آمریکایی - صهیونیستی به کنوانسیون تنوع زیستی شکایت کرد

تأکید بر تعقیب حقوقی آمریکا و رژیم صهیونیستی

زیست بوم- هم‌زمان با ارسال نامه رسمی جمهوری اسلامی ایران به دبیرخانه کنوانسیون تنوع زیستی برای محکومیت جنگ مجازواته آمریکا و رژیم صهیونیستی و پیامدهای جریان ناپذیرآن بر محیط زیست، شینا انصاری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، میزبان مقامات عالی قضایی و اجرایی کشور بود. در این نشست، ابعاد حقوقی و زیست‌محیطی جنگ تحمیلی «رمضان» مورد بررسی قرار گرفت و مقامات بر لزوم پیگیری بین‌المللی جنایات جنگی و مستندسازی خسارات برای مطالبه حقوقی تأکید کردند.

ظهربای با تأکید بر اهمیت جهانی تنوع زیستی ایران تصریح کرد: «تنوع زیستی کشور بخشی از دو نقطه داغ جهانی به شمار می‌رود و هرگونه تهدید یا تخریب آن، صرفاً یک مسأله ملی نیست، بلکه تهدیدی در مقیاس جهانی محسوب می‌شود.» وی ادامه داد: «در این نامه، با یادآوری تخریب‌های گسترده و آثار غیرقابل بازگشت منازعات مسلحانه بر اکوسیستم‌ها، از دبیرخانه کنوانسیون خواسته شده است نسبت به پیامدهای جنگ تحمیلی واکنش جدی نشان داده و نقش فعالی در دفاع از تنوع زیستی ایفا کند.» وی خاطرنشان کرد: «از اعضای کنوانسیون تنوع زیستی، نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی درخواست شده

نقش قالیباف و اجماع ملی پشت‌او

ایفای نقش نمایندگی کشور در مذاکرات، آن هم در شرایطی که محیط بین‌المللی و تصمیمات دشمن با عدم قطعیت گسترده همراه است، نیازمند درک عمیق از سازوکارهای قدرت، توانایی مدیریت پیچیدگی‌ها و شجاعت تصمیم‌گیری در بزنگاه‌هاست. این مسئولیت‌اکنون به‌درستی بردوش «محمدباقر قالیباف» نهاده شده‌است؛ کسی که دارای مزیت‌هایی چون دانش و تجربه در حوزه ژئوپلتیک، فرماندهی در جنگ و تجارب اجرایی و تقنینی است. قالیباف امروز تنها یک نماینده در مذاکرات نیست؛ او نماینده کشور و نظام است. از این رو حمایت از او و تیم مذاکره‌کننده، حمایت از یک فرد نیست؛ بلکه حمایت از انسجام تصمیم ملی برای دفاع از ایران از طریق «دیپلماسی هم‌افزای اقتدار» است.

سخنی با قالیباف

من البته به همان میزان که قاطعانه از «محمدباقر قالیباف» برای ایفای نقش مذاکره‌کننده ارشد جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنم و ایشان را مناسب این نقش می‌دانم، به همان اندازه نیز امیدوارم ایشان برترین مشاوران، مذاکره‌کنندگان کاربلد و دارای انگیزه‌های صرفاً ملی از همه مشرب‌ها و بدون هیچ تعلقات دیگر را به کار بگرد. امیدوارم خلاقیت و میهن دوستی مذاکره‌کنندگان، محتواهای نو و متناسب با واقعیات امروز جهان و فراتر از برخی تنگ‌اندیشی‌های گذشته را به دستورکار مذاکرات بدل سازد. امیدوارم مدیریت دیپلماتیک آقای محمدباقر قالیباف، زمین‌بازی‌های جدیدی تعریف وین بست‌شکنی کند. می‌گویند زمانی که «چرجیل» در سالخوردگی به نخست‌وزیری انگلستان انتخاب شد تا این کشور را در جنگ جهانی دوم هدایت کند، گفته‌که «کویی همه تجربیات وزندگی من تاکنون فقط آماذگی برای ایفای نقش برای کشورم در این لحظه بوده است.» محمدباقر قالیباف هم در دست در چنین وضعیتی قرار دارد؛ کویی همه نقش‌های قالیباف در سال‌های دفاع، مدیریت نیروی انتظامی، شهرداری تهران و ریاست مجلس شورای اسلامی، همگی تمرین، کسب آماذگی و آندوختن سرمایه‌هایی برای این لحظه بوده‌اند. من مایلیم به عنوان یک دوست و حتی رقیب سیاسی اودر لحظاتی از زندگی، به او یادآوری کنم که او از مزیت بزرگی برخوردار است. اولخباتی است که صدها بار از زمین فاصله گرفته و جهان را

بلاز دیده‌است. اوافق‌های دور جغرافیایی را دیده‌است و جزئیات زمین به نظرش کوچک آمده‌اند. اوسپس هواپیمارابه زمین نشاندده و جزئیات راز از نزدیک دیده‌است. این لحظه‌ای در تاریخ ایران و در زندگی «محمدباقر قالیباف» است که باید از جزئیات فاصله بگیرد، افق‌های دور دست ایران را از آسمان بالایی سیاست ملی ببیند، سپس به زمین واقعیات ایران و جهان امروز برگردد، جزئیات را ببیند، همه افق‌های کلان و جزئیات زمین سیاست را ترکیب کند، دوباره اوج بگیرد و در رفت و برگشتی دائم بین امروز و آینده، بین جزئیات و واقعیات کلان جهان، بین جنگ و صلح، بین بقا و امید به توسعه، دستورکارهای ایران را بسازد و وضعیتی خلق کند که سازنده صلح، امنیت، معیشت، توسعه و خیر جمعی باشد. دیپلماسی هم‌افزای اقتدار، از دل این رفت و برگشت‌ها ساخته می‌شود. صادفانه امیدوارم در ایفای این نقش، موفق باشد.

هشدار نسبت به تکرار تجربه‌های گذشته

در تاریخ معاصر ایران، کم‌نموده‌اند مواردی که دست برتر نظامی به برتری پایدار استراتژیک و ژئوپلتیک تبدیل نشد. این بار نباید در همان دام افتاد. همان‌گونه که در روزهای این جنگ، اعتماد به فرماندهی نظامی شرط کارآمدی میدان بود، در عرصه مذاکره نیز اعتماد به تیم مذاکره‌کننده شرط اثرگذاری دیپلماسی است. مذاکره، ادامه دفاع از ایران با ابزارهای سیاسی است. خط و نشان کشیدن برای تیم مذاکره، رمزسازهای خود خواسته و تحمیل فرانت‌های محدودکننده، به جای کمک به منافع ملی، موضع ایران را تضعیف می‌کند.

جمع بندی و ضرورت حمایت ملی

امروز کشور بیش از هر زمان به بلوغ سیاسی، همدلی ملی و پشتیبانی مسئولانه از نمایندگان رسمی خود نیاز دارد. بی‌تردید، نقد سازنده و ارزیابی مستمر عملکردها لازمه پویایی نظام سیاسی است. اما در عین حال، تقویت سرمایه اجتماعی و حمایت از رویکردهایی که در پی ارتقای جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی هستند، ضرورتی راهبردی محسوب می‌شود. با تأکید بر اهمیت شبکه‌های تصویری و صوتی نیز بوده و هست. در فضای مجازی هم می‌توان رزش را یافت. کفای می‌گردند میوه چنین دوگانه‌سازی را در جنگ رمضان خواهند چید. نتیجه بر عکس شد؛ مردم به حمایت از ایران و نظام به صحنه آمدند؛ حضوری پیوسته که همچنان ادامه دارد. وقتی ترامپ تهدید به نابودی زیرساخت‌های ایران کرد، مردم در اطراف نیروگاه‌ها حلقه زدند و بر پل‌ها زنجیرهای انسانی تشکیل دادند. هنرمندان در برابر نیروگاه‌ها یا در میان ریل قطار حضور پیدا کردند. با موسیقی و ترانه به جنگ نابودی رفتند. پیروز شدند! ملتی که از مرگ نهراسد و در برابر تهدید نابودی، پرچم زندگی را به دست بگیرد پیروزی است حتی اگر جانشن فدا شود. می‌توان دیگر عناصر دولت آمریکا و اسرائیل آشکارا کرد. سخن از «نابودی تمدن ایران» می‌گویند. کفای ایران» و «بازگشت ایران به عصر حجر» همه نشانه عصبانیت، بغض و غیظ همراه با تهدید و ناسزاگویی در حضور ملت ایران بوده و هست. فردوسی در مقدمه شاهنامه، پس از گفتار در ستایش خرد و داستان آفرینش، به «گفتار در ستایش مردم» پرداخته است. سخن سرشار از خردمندی و استوار و بیانه شناخت ملت ایران است. هیچ‌کس همانند فردوسی به روشنی از نقش مردم سخن نگفته‌است. حضور مردم ایران

ملت ایران در جنگ ۴۰ روزه و پس از آن، از خود چنان «حماسه حضوری» نشان داد که دوست و دشمن حیرت‌زده‌اند! این ملت در شرایطی به صحنه آمدند که دو کشور اتمی و دارای تجهیزات مدرن، با همراهی کشورهای اروپایی و عربی منطقه می‌خواستند نظام جمهوری اسلامی را براندازند و سرزمین و ملت ایران را قربانی و تکه‌تکه کنند. وقایع بزرگی چون شهادت شهید امام خامنه‌ای و سرلشکر موسوی رئیس ستاد نیروهای مسلح و شهادت سردار سرلشکر پاکپور فرمانده کل سپاه پاسداران می‌توانست هر نظامی را متزلزل کند. پروژه دشمنان ملت ایران هم همین بود. اما گمان نمی‌کردند نظام تاب و توان بقا را داشته باشد. ثمت تدبیر آنان در مقابله با ایران و ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی از نام نالمخولیا افتاد. می‌توان برای بقای ایران و اقتدار نظام جمهوری اسلامی دلایل متعددی برشمرد، اما یک دلیل شاخص و روشن، حضور و حمایت مردم بوده و هست.

در دهه‌های اخیر هر چه در توان داشتند، کوشیدند تا میان مردم و نظام فاصله و بی‌اعتمادی ودوگانگی، بلکه بیگانگی ایجاد کنند. اگر یادتان باشد، در مسابقات جام جهانی قطر در دهه‌های اخیر هر چه در توان داشتند، کوشیدند تا میان مردم و نظام فاصله و بی‌اعتمادی ودوگانگی، بلکه بیگانگی ایجاد کنند.

مردم یادتان باشد، در مسابقات جام جهانی قطر در دهه‌های اخیر هر چه در توان داشتند، کوشیدند تا میان مردم و نظام فاصله و بی‌اعتمادی ودوگانگی، بلکه بیگانگی ایجاد کنند. اگر یادتان باشد، در مسابقات جام جهانی قطر در دهه‌های اخیر هر چه در توان داشتند، کوشیدند تا میان مردم و نظام فاصله و بی‌اعتمادی ودوگانگی، بلکه بیگانگی ایجاد کنند. اگر یادتان باشد، در مسابقات جام جهانی قطر در دهه‌های اخیر هر چه در توان داشتند، کوشیدند تا میان مردم و نظام فاصله و بی‌اعتمادی ودوگانگی، بلکه بیگانگی ایجاد کنند.

مردم یادتان را به میان ریل قطار حضور پیدا کردند. با موسیقی و ترانه به جنگ نابودی رفتند. پیروز شدند! ملتی که از مرگ نهراسد و در برابر تهدید نابودی، پرچم زندگی را به دست بگیرد پیروزی است حتی اگر جانشن فدا شود. می‌توان دیگر عناصر دولت آمریکا و اسرائیل آشکارا کرد. سخن از «نابودی تمدن ایران» می‌گویند. کفای ایران» و «بازگشت ایران به عصر حجر» همه نشانه عصبانیت، بغض و غیظ همراه با تهدید و ناسزاگویی در حضور ملت ایران بوده و هست. فردوسی در مقدمه شاهنامه، پس از گفتار در ستایش خرد و داستان آفرینش، به «گفتار در ستایش مردم» پرداخته است. سخن سرشار از خردمندی و استوار و بیانه شناخت ملت ایران است. هیچ‌کس همانند فردوسی به روشنی از نقش مردم سخن نگفته‌است. حضور مردم ایران

در این روزان و شب‌ها هم تفسیر سخن اوست: «چو زین بگذری مردم آمد پدید شد این بندها را سراسر کلید سرش راست تر شد چو شرو بلند به گنناز خوب و جزّذ کار بَند.»

مردم کلیدی هستند که قفل‌ها و بندها را می‌گشایند. راست قامت و استوار مانند سرو می‌ایستند. سخن و سلوک آنان بر بنیاد خردمندی است. می‌توان گفت در پیروزی انقلاب اسلامی، راز پیروزی، شناختی بود که امام خمینی رضوان الله تعالی علیه نسبت به مردم داشت. هیچ وقت در زندگی امام(ره) کمترین تردیدی نسبت به توانایی مردم در حل مشکلات دیده نمی‌شود. امام خمینی (ره) این روشن بینی

شکفت‌انگیز و بی‌سابقه را داشت که همواره مانند مردم زندگی می‌کرد. در نطف اشرف که بود، معمولاً مراجع در تائیس‌های داغ نجف به کوفه و ویلاهای کنار رودخانه فرات می‌رفتند. امام(ره) نمی‌رفت. مرحوم حجت‌الاسلام سیدمحمد داعبی برایم تعریف کرد: «روزی امام(ره) وارد بیت شد، دید دو کولر گازی نو، گوشه حیاط است. پرسید چیست؟ گفتم یکی از علاقه‌مندان شما از کویت این کولرها را فرستاده است. امام(ره) گفت فوری پس بفرستید! گفتم هزینه پس فرستادن خیلی می‌شود. فرمود خیلی خب، به یکی از مساجد هدیه بدهید. امام(ره) نمی‌خواست در حالی که مردم فقیر در نجف امکان استفاده از کولر گازی نداشته‌اند، در خانه‌اش کولر گازی استفاده کند.» مرحوم داعبی در همین رابطه خاطره دیگری نقل کرد: «وقتی امام(ره) به «نوفل لوشاتو» رفته بود، هوا گرم بود. اطرافیان درجه کولر گازی را روی او گذاشته و روشن کرده بودند. امام(ره) استراحت نمی‌کرد؛ خستگی راه و معطلی در کویت. شمد روی صورتش انداخته بود. خوابیده بود. هوای خنک به شمد می‌خورد. امام(ره) شمد را از روی صورتش کنار زده بود، دیده بود احمدآقا گوشه اتاق نشسته است. امام(ره) با همان طنز ملخ و لطیفی که داشت، گفته بود: احمد! این خنکی کولر خیلی خوبه‌ها!» نمونه دیگری که نشانه باور راهبردی امام خمینی (ره) به نقش مردم است، دیداری است که نمایندگان سازمان مجاهدین خلق، حسین روحانی و تراب حق‌شناس، در سال‌های ۱۳۴۹ در نجف داشتند. آن دو نفر از ضرورت مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه می‌گویند. امام(ره) اصل مبارزه را تأیید می‌کنند، اما به آنان می‌گویند: «مبارزه مسلحانه به نتیجه نمی‌رسد. با این کارها مردم را به کشتن می‌دهید. بایست مردم وارد صحنه بشوند. بدون آگاهی و حمایت مردم کاری از پیش نمی‌برید.» وقتی به رهبری امام خمینی (ره) در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و عزادارهای و نماز عید فطر جمعیت‌های میلیونی علیه نظام شاه شکل گرفت، درستی دیدگاه و نظریه امام(ره) ثابت شد.

ایران

← علی مسعودیان پژوهشگر ارشد حقوق بین‌الملل:

محاصره دریایی ایران اقدامی خصمانه و ناقض حقوق بین‌الملل است

← کارشناسان خودرو در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کردند

چرخش مسیرهای واردات به مرزهای شمالی کشور

← واشنگتن پست: تنگه هرمز کارت برنده ایران است

← روایت استاندار سیستان و بلوچستان: مرزهای شرقی چگونه دروازه تأمین کالا شدند؟

(۴ ۵ ۷ ۱۰ ۱۴)



رصد و پایش شش وزارتخانه در دو روز

دولت تعطیلی ندارد

پزشکیان: اقتصاد خط مقدم پایداری ملی در شرایط جنگی است

(۲)



وعدۀ صادق‌شہید امام‌خامنه‌ای (۴)

ملت ایران



سید عطا‌الله مهاجرانی

«منبر شفیق»، متفکر فلسطینی بر اساس نظریه امام خمینی (ره) نظریه‌ای را با عنوان «راه‌پیمایی؛ هم استراتژی، هم تاکتیک» تفسیر و تبیین کرد. در همان سال‌ها سازمان فداییان خلق بر اساس دیدگاه‌های مارکسیستی که داشتند، جزوهای با عنوان «مبارزه مسلحانه؛ هم استراتژی هم تاکتیک»، نوشته مسعود احمدزاده تهیه و سال ۱۳۵۰ درون سازمان فداییان خلق منتشر کرده بودند. دانشجوی دانشگاه اصفهان پودم؛ سال ۱۳۵۲ این جزوه از طریق عبدالرضا کریمی به دستم رسید. سازمان فداییان و نیز مجاهدین خلق توانستند پشتوانه حمایت ملی و مردمی پیدا کنند.

امام خمینی (ره) توجه و تمرکزش بر مردم بود. وقتی شهید آیت‌الله مرتضی مطهری در پاریس با امام(ره) ملاقات کرده بود، در بازگشت، در سخنرانی‌اش که در کتاب «پیرامون انقلاب اسلامی» منتشر شده، گفت: «امام به مردم ایمان دارد.» ایمان امام(ره) در دو تابلو تاریخی و بلکه اسطوره‌ای ماندگار شد: روزی که ملت ایران به استقبال امام(ره) رفتند و روزی که پیکر او را تا بهشت زهرا(س) مشایعت و بدرقه کردند.

این میراث توجه به مردم و ایمان به مردم، در تمام زندگی و رهبری و سخن و سلوک شهید امام خامنه‌ای تبلور یافته بود؛ نگاهی نبوی و علوی. پیامبر اکرم و امام علی «علیهم السلام» همین نگاه را به مردم داشتند. «علیکم بسواد الاعظم» می‌دهد و هم افق را. امام علی (ع) در نامه به مالک‌اشتر توصیه می‌کند دچار و گرفتار رضایت خاص نشود، به توده مردم توجه کند.

در «فدع رمضان و فروردین» در برابر نهاجم بسیار سنگین و سهمگین آمریکا و اسرائیل، مردم ایران به صحنه آمدند. سواد اعظم شکل گرفت. دست خدا در میان مردم و بر سر مردم مشاهده می‌شد. ایران سرزنده و جوان شده بود. به روایت فردوسی، مردم مانند سرو ایستادند. حضور مردم مهم‌ترین رکن و باطل السحرا آمریکا در پیوستن مردم ایران بر حاکمیت خواهند شورید و نظام سرنگون می‌شود. حرکت‌های مسلحانه و قاجاق اسلحه به ایران و حتی تماس مستقیم با رهبران گروه‌های مسلح را علنی کردند. مردم آمدند؛ اما علیه آمریکا و علیه اسرائیل! آمریکا و اسرائیل فهمیدند مهم‌ترین پشتوانه نظام مردم‌مند. به همین خاطر بمباران مدارس، مانند دبستان «شجره طیبه» میناب و بیمارستان‌ها و مراکز ساخت دارو و انستیتو پیوسته را به کشتن می‌دهید. بایست مردم وارد صحنه بشوند. بدون آگاهی و حمایت مردم کاری از پیش نمی‌برید.» وقتی به رهبری امام خمینی (ره) در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و عزادارهای و نماز عید فطر جمعیت‌های میلیونی علیه نظام شاه شکل گرفت، درستی دیدگاه و نظریه امام(ره) ثابت شد.